info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۶۹۵
شنبه / ۶ بهمن / ۱۴۰۳
۲۴ / رجب / ۱۴۴۶
25 / January / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهر حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، نجات کاون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۲۴۲۴-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

فال روز

امروز با حافظ

غمناک نباید بود از طعنِ حسود ای دل
شاید که چو واپینی خیرِ تو در این باشد
هر کاو نکَند فهمی زین کلکِ خیال انگیز
نقشش به حرام از خود صورتگر چین باشد

فرازی

متاع راستی پیش آر و کالای نکوکاری
من از هر کار بهتر دیدم این بازارگانی را

بروین اعتصامی

فال روز

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۴۲	۰۷:۱۰	۱۲:۱۹	۱۷:۲۷	۱۷:۴۶

برگ

شاید مجبور شوید در یک نبرد بیش از یک بار بجنگید تا پیروز شوید...

مارگارت تاچر

اشاره

داستان «استارگیت» و ارتش جاسوسان فراطبیعی!

کلمه و پروژه «هشتارگیت» به گوش هرکسی که نخورده باشد، به گوش مردم/ ارتش/ «هسا» و دیگر تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی آمریکا، خیلی خورده است. اوایل دهه ۷۰ میلادی «هورلد پوتاف» استاد فیزیک مؤسسه پژوهشی استنفورد شاهد پدیده عجیبی بود. در یک آزمایش فراطبیعی در حضور او، هنرمندی به نام «ایگنو سولان» موفق شد با فکر کردن به ظرف دربسته‌ای که زیرزمین چال شده بود، میدان مغناطیسی داخل ظرف را تغییر دهد!

به گزارش **پیام آشنا** به نقل از قدس، وقتی یکی دوسال است که عالم و آدم دارند می‌گویند: «هوش مصنوعی، آینده جهان را رقم می‌زند» پس خیلی جای تعجب ندارد که ترامپ در دومین روز آغاز کارش به عنوان رئیس جمهور خبر از سرمایه‌گذاری ۵۰۰ میلیارد دلاری آمریکا در حوزه زیرساخت‌های هوش مصنوعی بدهد و رسانه‌ها تیتر بزنند که «استارگیت» در آمریکا کلید خورد.

استارگیت اول

کلمه و پروژه «هشتارگیت» به گوش هرکسی که نخورده باشد، به گوش مردم/ ارتش/ «هسا» و دیگر تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی آمریکا، خیلی خورده است. اوایل دهه ۷۰ میلادی «هورلد پوتاف» استاد فیزیک مؤسسه پژوهشی استنفورد شاهد پدیده عجیبی بود. در یک آزمایش فراطبیعی در حضور او، هنرمندی به نام «ایگنو سولان» موفق شد با فکر کردن به ظرف دربسته‌ای که زیرزمین چال شده بود، میدان مغناطیسی داخل ظرف را تغییر دهد! «پوتاف» که هیچ توضیح و توجیه علمی برای این توانایی پیدا نکرده بود، پس از مدتی تحقیق و مطالعه به کمک همکارانش به یافته‌های جدیدی رسید و وقتی نتایج تحقیقاتش را در کنفرانس بین‌المللی فیزیک کوانتوم منتشر کرد توجه شد. گویا «هسا» هم در این زمینه مشغول تحقیق و فعالیت است. البته برای سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا که از مدت‌ها پیش با برخی همکاران «پوتاف» در مؤسسه «استنفورد» ارتباط برقرار کرده بود، تحقیق و مطالعه علمی و رابطه میان قدرت و متافیزیک مهم نبود. «هسا» روی پدیده «شاهده از راه دور» تمرکز کرده بود. یعنی نوعی «طراک فراعلمی» که در آن، شخص می‌تواند اجسام افراد و رخدادهای مختلف را از فاصله دور ببیند. از این دیدگاه مشاهده از راه دور حتی می‌تواند به استاد پنهان شده هم رسوخ کند. این توانایی به سازمان سی‌آی‌ای در جمع‌آوری اطلاعات و دسترسی به مکان‌های سری کمک می‌کرد. برای همین تلاش می‌کرد تا بتواند با یافتن، جذب و آموزش افرادی که دارای این توانایی هستند، ارتشی از جاسوسان فراطبیعی را تشکیل دهد.

از سال‌های دهه ۸۰ هم [اداس اطلاعات دفاعی آمریکا (دی‌آی‌ای) متولی این ماجرا است. پروژه‌ای فوق محرمانه، برای تشکیل ارتش جاسوسان مخصوص تعریف کرد و اسمش را «استارگیت» گذاشت. در گام نخست آن‌ها باید روش‌های نظاری کسب اطلاعات درباره اهداف خارجی و به‌وسیله مشاهده از راه دور را تعیین می‌کردند. قدم دوم این بود که بدانند کشورهای دیگر چطور از این توانایی علیه آمریکا استفاده می‌کنند و در مرحله سوم آزمایش‌های عملی در این باره را آغاز می‌کردند.

پایین آمدن از خوشبختان

«استارگیت» در محرمانه‌ترین حالت ممکن پیش می‌رفت. یکی از دانشمندان مؤسسه پژوهشی استنفورد که به‌عنوان سهیمان در این پروژه شرکت داشت گفته است هر دفعه یکی‌ما مأموران امنیتی، او و همکارش را در مورد اهمیت فوق‌العاده زیاد این پروژه توجیه می‌کردند. همچنین مأموران امنیتی سی‌آی‌ای و دی‌آی‌ای مرتب از دانشمندان می‌پرسیدند آیا شواهدی در جامعه دیده‌اند که نشان دهد مردم یا افراد دیگر از این طرح بویی برده‌اند؟

اوّلین اطلاعات دفاعی آمریکا این پروژه را تا اواسط دهه ۱۹۹۰ ادامه داد. هرچند در آن زمان سی‌آی‌ای متقاعد شده بود که امکان تشکیل ارتشی از جاسوس‌های فراطبیعی وجود ندارد. به‌همین خاطر اطلاعات و اسناد مربوط به مشاهده از راه دور را به‌صورت عمومی منتشر کرد. کمی بعد دی‌آی‌ای هم سناسان را منتشر کرد.

سال ۱۹۹۵ سازمان سیا که ظاهراً از خرشبختان جاسوسی فراطبیعی پیاده شده بود از مؤسسه پژوهشی علوم آمریکا خواست به‌صورت مستقل و علمی به‌بررسی پروژه استارگیت بپردازد و مشخص کند اصولاً «مشاهده از راه دور» امکان‌پذیر است یا خیر؟ این مؤسسه چون می‌خواست عملکرد بی‌طرفانه‌ای داشته باشد از دو پژوهشگر مطرح با دیدگاه‌های کاملاً متضاد در مورد پدیده‌های فراطبیعی خواست در این رابطه گزارش بنویسند.

پژوهشگر اول Jessica Utts نام داشت و که این روزها استاد آمار دانشگاه کالیفرنیا است بسیار علاقمند به مطالعه پدیده‌های فراطبیعی بود. نفر دوم هم Ray Hyman استاد روان‌شناسی دانشگاه اورگان و از اساس منتقد پدیده‌های فراطبیعی بود. اطلاعات و گزارش‌های علمی و غیرعلمی پژوهش‌ها و شواهد قبلی سازمان‌های مختلف هم در اختیار هردونفر قرار گرفت تا سه ماه بعد نظر نهایی‌شان را ارائه کنند. سه ماه بعد گزارش‌ها آماده شد و نتیجه مبتنیز از پیش‌بینی‌ها بود. مثلاً «هیسر» که منتقد و مخالف ماجرا بود در پایان گزارش خود نکته مهمی را بدا آوری کرده و نوشته بود: «بنظر می‌رسد یافته‌های جدید و خروجی برنامه استارگیت به‌چیزی فراتر از یک رخداد عجیب آماری اشاره داشته باشند. پدیده‌های فراطبیعی قوی‌تر از گذشته جلوه می‌کنند» با وجود نظرات تقریباً مثبت دانشمندان، اما سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا پروژه استارگیت را متوقف کردند! سازمان سی‌آی‌ای هم در سال ۲۰۱۷ این پروژه را از طبقه‌بندی خارج کرد تا همه بتوانند به جزئیات کامل آن دسترسی داشته باشند. ظاهراً ارتش جاسوس‌های فراطبیعی سی‌آی‌ای توانسته بودند در طول دوران فعالیت خود چند جاسوس را شناسایی کرده و یک هواپیمای جاسوسی، چند موشک اسکاد گمشده و یک زیردریایی هسته‌ای را پیدا کنند. آن‌ها همچنین در کشف فعالیت‌های هسته‌ای کره شمالی موفق بودند. با همه این‌ها دولت آمریکا اعلام کرد دیگر قصد ندارد بودجه خاصی را برای پژوهش روی توانایی‌های فراطبیعی اختصاص دهد!

سواد شدن بر خر شیطان؟

حلا برگردیم به «استارگیت» قرن ۲۱. یعنی وقتی که در دومین روز ریاست‌جمهوری ترامپ خبر سرمایه‌گذاری عظیم ۵۰۰ میلیارد دلاری آمریکا در زمینه زیرساخت‌های هوش مصنوعی اعلام شد.

این سرمایه‌گذاری بزرگ قرار است با حضور «ساقت‌مانک» OpenAI و شرکت چندملیتی فناوری «اراکل» به سرانجام برسد و در آغاز کار هم ۱۰۰ میلیارد دلار وارد چرخه سرمایه‌گذاری برای ساخت پایگاه‌های داده بزرگ (دیتاسنترها) خواهند شد. «الیسون» رئیس «اراکل» پس از اعلام این خبر به رسانه‌ها گفت «اولین پایگاه‌داده این پروژه عظیم در تگزاس در حال ساخت است.» در این طرح ۲ دیتاسنتر ساخته می‌شود که هر کدامشان نزدیک به ۵۰ هزار مترمربع وسعت دارد. «الیسون» ادعا کرد این پروژه، امکان تحلیل سوابق آنلاین بخش سلامت را برای هوش مصنوعی فراهم می‌کند.

«رویترز» در پایان گزارشی که برای این ماجرا نوشته، این پرسش جالب را هم مطرح می‌کند که «هنوز مشخص نیست آیا اعلام این سرمایه‌گذاری عظیم، به‌رویزسازی یک سرمایه‌گذاری قدیمی است یا نه؟» اگر منظور «رویترز» از «سرمایه‌گذاری قدیمی» همان «استارگیت» باشد، بیستمو ارتش جاسوسان فراطبیعی باشد، جا دارد ما هم آخر مطلب این پرسش را مطرح کنیم که: آیا اعلام توقف استارگیت و انتشار اسناد محرمانه آن در سال ۲۰۱۷ فقط یک بازی خبری- اطلاعاتی بوده و واقعیت چیز دیگری است؟ آیا آمریکا در یک برنامه فوق‌سری دیگر در حال آماده‌سازی ارتش جاسوسان فراطبیعی خود و تجهیز آن به هوش مصنوعی است؟ آیا با هوش مصنوعی قرار است جایگزین افرادی با توانایی‌های فراطبیعی شود؟ واضح به این پرسش‌ها شاید حتی کار هوش مصنوعی هم نباشد و فقط فردی با توانایی فراطبیعی «مشاهده از راه دور» و علم‌غیب، بتواند در این باره توضیح دهد!

گزارش روز

استعفای دومینووار مسئولان صهیونیست؛ نفر بعدی نتانیاهو است؟

هشت اکتبر

پس‌لرزه‌های شکست ۷ اکتبر، بعد از پذیرش آتش‌بس در سرزمین‌های اشغالی، تازه شروع شده است. بعد از استعفای بن‌گویر، رهبر حزب قدرت یهودی و خروج اعضای حزب او از کابینه، چند نفر از فرماندهان نظامی و اطلاعاتی ارتش رژیم از جمله رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل و فرمانده واحد جنوب استعفا دادند و احتمال استعفای رئیس شاباک هم وجود دارد. بخشی از این استعفاها به خاطر شکستی است که ارتش در ۷ اکتبر متحمل شده و بخشی دیگر نیز به خاطر نارضایتی از پذیرش آتش‌بس.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرهیختگان، پس‌لرزه‌های شکست ۷ اکتبر، بعد از پذیرش آتش‌بس در سرزمین‌های اشغالی، تازه شروع شده است. بعد از استعفای بن‌گویر، رهبر حزب قدرت یهودی و خروج اعضای حزب او از کابینه، چند نفر از فرماندهان نظامی و اطلاعاتی ارتش رژیم از جمله رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل و فرمانده واحد جنوب استعفا دادند و احتمال استعفای رئیس شاباک هم وجود دارد. بخشی از این استعفاها به خاطر شکستی است که ارتش در ۷ اکتبر متحمل شده و بخشی دیگر نیز به خاطر نارضایتی از پذیرش آتش‌بس. دومینوی استعفاها و پس از آن تشکیل کمیته تحقیق و بررسی ۷ اکتبر، احتمالاً به دردسرهای نتانیاهو اضافه خواهد کرد و دولت او را تا آستانه فروپاشی خواهد برد. برای بررسی وضعیت کابینه نتانیاهو بعد از پذیرش آتش‌بس با منصور براقی، کارشناس مسائل رژیم‌صهیونیستی گفت‌وگو کردیم که در ادامه مشروح آن را از نظر می‌گذرانید.

استعفاهایی که در این چند روز در کابینه و در میان فرماندهان نظامی رخ داده را می‌توان اولین پس‌لرزه‌های اسرائیل بعد از پذیرش آتش‌بس دانست؟

استعفاها، به‌خصوص در بخش امنیتی و نظامی نتیجه ۷ اکتبر و طوفان الاقصی است. استعفای مقامات سیاسی و نارضایتی که آن‌ها در سطح سیاسی ابراز می‌کنند، مثل استعفای ایتامار بن‌گویر و خروجش از کابینه به همراه هم‌حزبی‌های خود که در مجموع ۶ نفر می‌شدند را باید به حساب آتش‌بس بگذاریم، چون بن‌گویر مخالف آتش‌بس بود اما ارتش اسرائیل، شاباک و موساد همگی با آتش‌بس مخالفت ندارند بلکه خود رهبران شاباک و موساد برای برقراری آتش‌بس مذاکره کردند. روشن باز و دبود بارنو، چند دور مذاکره داشتند و تأکید داشتند که مذاکرات باید به نتیجه برسد. در خصوص اینکه چرا این استعفاها رخ داد، می‌توان گفت دستگاه‌های نظامی و امنیتی اسرائیل در ۷ اکتبر نتوانستند دو کار مهم را انجام دهند: نتوانستند حمله حماس و حمله به این بزرگی را پیش‌بینی کنند. علاوه براین وقتی حمله شروع شد، نتوانستند در ساعت‌های اوّل حمله آن را خنثی کنند. در اسرائیل زمانی که یک مشکل نظامی و امنیتی به وجود می‌آید که دستگاه‌های نظامی و امنیتی نتوانند جلوی آن‌ها را بگیرند و از آنجا که به بحران امنیت حساسند و اگر خلأ و بحران امنیت جدی شود و اساس و موجودیت اسرائیل به خطر بیفتد، زمانی که اتفاقاتی امنیتی در اسرائیل رخ می‌دهد آن مسئولان به‌شدت زیر سال می‌روند و خودشان استعفا می‌دهند. هرتزی هالوی، فرمانده کل ارتش همان روزهای اوّل جنگ و تقریباً هفته اوّل اعلام کرد وقتی جنگ تمام شود از مقام خود استعفا خواهد داد و گفت که در انجام وظیفه شکست خوردم و کناره‌گیری خواهم کرد. فرمانده اطلاعات ارتش نیز فردی بود به نام «هارون هالیوا»، که او هم در همان موقع و از آنجا که دستگاه اطلاعات ارتش کاملاً مرتبط با پیش‌بینی حملاتی بود که علیه اسرائیل انجام می‌شود (شباک و شیرینت که سرویس امنیت داخلی اسرائیل به شمار می‌رود و آن‌ها غزه و کرانه باختری را جزء حیطه امنیتی داخلی حساب می‌کنند)، رئیس شاباک هم اعلام کرد. بعد از پایان جنگ استعفا موقعیت داد، به جز هرتزی هالوی، در این مدت چند نفر دیگر از فرماندهان ارتش هم استعفا کردند. فرماندهی جنوبی ارتش اسرائیل هم استعفا کرده است. بنابراین استعفاهای مقامات نظامی و امنیتی به دلیل شکست اسرائیل در ۷ اکتبر رخ داده است و از این طریق به آتش‌بس ارتباط پیدا می‌کند که جنگ تمام شده است؛ چرا که آن‌ها اعلام کرده بودند که بعد از جنگ کناره‌گیری خواهند کرد.

شرایط داخلی اسرائیل و کابینه، بعد از پذیرش آتش‌بس، در چه وضعیتی قرار دارد؟

تا قبل از استعفای بن‌گویر، رهبر حزب قدرت یهودی که ۶ کرسی در پارلمان اسرائیل داشت، شمار کرسی‌های ائتلاف حاکم، ۶۸ کرسی بود، در مقابل اپوزیسیون ۵۲ کرسی داشت، یعنی اختلاف ۱۸ کرسی بین دو طرف حاکم بود. در این موقعیت قدرت اپوزیسیون در چانه‌زنی‌های سیاسی کم است و ثبات ائتلاف حاکم بسیار زیاد است به این خاطر که فاصله بسیار کم است. حتی اگر ۱۰ نفر از ائتلاف حاکم حضور پیدا نکنند همچنان اپوزیسیون، ۵۲ رای بیشتر ندارد و با ۵۸ رأی در مقابل پیروز می‌شد. اما با خروج بن‌گویر از کابینه به‌خاطر نارضایتی از آتش‌بس، با کم شدن ۶ کرسی مربوط به این حزب، شمار اعضای ائتلاف کم شده و به ۶۲ رسیده و اپوزیسیون به ۵۸ رسیده است. البته بن‌گویر اعلام کرده از بیرون همیسو با کابینه رأی می‌دهد یا این حال از آنجا که بن‌گویر آدم غیرقابل پیش‌بینی، جنجالی و کلمشی است باید پیبنیم چنین اتفاقی واقعاً رخ خواهد داد یا خیر. نیروهای اپوزیسیون عموماً با بن‌گویر ارتباط خوبی ندارند و راست افراطی را بخشی از مشکل اسرائیل می‌دانند نه راه‌حل. می‌گویند آن‌ها شهرک‌سازی می‌کنند و امکان صلح کاملاً از بین می‌رود به همین خاطر اپوزیسیون احتمالاً نمی‌توانند همکاری علیه کابینه با بن‌گویر انجام دهند. البته باید در نظر بگیریم که خروج بن‌گویر با یکی دیگر از احزاب، یا خروج سه نماینده باعث فروپاشی او خواهد شد و از حاشیه امنیتی که قبل از استعفای بن‌گویر داشت در حال دور شدن است و دور هم شده است. بنابراین باید توجه کنیم میزان ثبات سیاسی کابینه نتانیاهو به‌شدت کاهش پیدا کرده است. اگر در این شرایط احزاب اپوزیسیون بتوانند «گیدعون صعر» را که عضو حزب جدید است و پیش از این عضو حزب لیکود بوده و بیرون آمده است (در دوسه ماه اخیر وارد ائتلاف شد و الان وزیر خارجه است)، را راضی کنند که از کابینه بیرون بیاید (آنکه احتمالش کم است اما چون با نیروهای اپوزیسیون نزدیک است و با آن‌ها در ائتلاف بوده است. این احتمال رانمی‌توان نادیده گرفت. حامیان کابینه به ۵۹ نفر می‌رسد و تعداد اپوزیسیون به بالای ۶۰ نفر می‌رسد و اگر بن‌گویر از در نظر نگیریم، از ۵۲ به ۵۶ می‌رسد و برای حفظ ائتلاف نیاز به اکثریتی ۶۱ نفری دارند. گسستوریچ دیگر فردی است که از جناح راست افراطی در کابینه حضور دارد و دارد و اگر از کابینه جنگ خارج شود کابینه به مشکل خواهد دوچار و منجر به فروپاشی می‌شود. اسرائیل باید در پایان ۴۲ روز دوم، پایان رسمی جنگ را اعلام کند و اگر بخواهد به آن پایبند باشد که در دوره ترامپ هم مشکل بیشتری دارد چون ترامپ مایل است توافق‌ها باقی بماند و جنگ تمام شود. باید دید نتانیاهو چطور می‌خواهد این تضاد را حل کند. با اسموتریچ را راضی کند که نخواهد از کابینه تحت تأثیر عدم بازگشت به جنگ خارج شود در غیراین‌صورت با خروج اسموتریچ از کابینه، کابینه به فروپاشی منجر خواهد شد. یک طرف دیگر ماجرا این است که افرادی که از بین نیروهای نظامی و امنیتی کابینه خارج می‌شوند در عین حال جزء طیفی بودند که با نتانیاهو در اختلاف بوده‌اند اما مجبور بودند از نتانیاهو تبعیت کنند. از این بابت استعفاها می‌تواند تحولی به نفع نتانیاهو باشد. هرتزی هالوی، فرمانده ارتش، روش بار رئیس شاباک و دیوید بارنو، رئیس موساد، جزء طیفی هستند که با سیاست‌های نتانیاهو چندان همراه نیستند و به این خاطر عمدتاً شاهد این هستیم کنار رفتن این‌ها می‌تواند نفوذ نتانیاهو را در دستگاه‌های نظامی و امنیتی بیشتر کند.

چالش‌های پیش روی رژیم و نتانیاهو بعد از پذیرش آتش‌بس چه خواهد بود؟

در ماه‌های آینده استعفاهای بیشتری را میان نیروها و فرماندهان نظامی و امنیتی اسرائیل خواهیم دید. شاید این استعفاها به مقامات سیاسی هم کشیده شود. به‌خصوص که جنگ تمام شده و حالا باید به تقصیر افرادی که در ۷ اکتبر مقصر بودند، رسیدگی شود که نتوانستند، حمله را پیش‌بینی کنند. این استعفاها اگر چه یک وجهی دارد که ممکن است به نفع نتانیاهو تمام شود اما در عین حال فضایی را ایجاد می‌کند که نتانیاهو هم باید استعفا دهد. از اول جنگ بحث بر سر این بوده که به‌قصور مقصران ۷ اکتبر رسیدگی شود و از همان زمان، صحبت از تشکیل کمیته حقیقت‌یاب برای بررسی مقصران و تعیین کردن میزان تقصیر معین شده بود. این اتفاق پیش از این در اسرائیل سابقه داشته و در ۱۹۷۳ بعد از جنگ یوم کیپور به این دلیل که اسرائیل در جنگ غافلگیر شد، بعدها کمیسیونی برای فهم حقیقت تشکیل شد که رئیس آن شیمون آگرات بود که رئیس دیوان وقت اسرائیل بود. به نظر می‌رسد گویزی از تشکیل چنین کمیته‌ای نیست و امکان دارد که کمیته‌ای حاکمیتی باشد و دیوان عالی بخواهد پشت این کمیته قرار گیرد و درمدرسه‌ای زیادی برای نتانیاهو خواهد داشت، اما اگر نتانیاهو بتواند جلوی دیوان عالی را بگیرد که برای مثال تهدیک کمیسیون حقیقت‌یاب در ارتش، تشکیل شود و تنها به قصور مقامات ارتش بپردازد، کمیته نظر من بعید است که چنین اتفاقی رخ دهد و آن‌ها تنها بخواهند کمیسیونی تشکیل شود که به مقامات نظامی رسیدگی کند. اما اگر چنین اتفاقی رخ دهد نتانیاهو می‌تواند تا حدی از بحران فرار کند. تشکیل این کمیسیون قطعی است و گریزی از آن نیست و در صورت تداوم آتش‌بس خیلی جدی پیگیری خواهد شد. کناره‌گیری حزب قدرت یهودی این مشکل را برای نتانیاهو به وجود خواهد آورد که یکی از اعضای این حزب «تزویکا فوگل»، عضو هیئت گزینش قضایی بود. حالا با کناره‌گیری حزب قدرت یهودی از ائتلاف، او هم احتمالاً از کمیسیون گزینش قضایی خارج شود. این باعث خواهد شد که ترکیب این کمیسیون به نفع مخالفان نتانیاهو تقویت شود. در چنین شرایطی احتمال اینکه به سمت آن حرکت کنیم که دیوان عالی اقدام جدی‌تری علیه نتانیاهو در قالب کمیسیون حقیقت‌یاب انجام دهد بسیار افزایش پیدا خواهد کرد.

افشاگری‌هایی که علیه نتانیاهو شده نشان می‌دهد سرنخ‌هایی وجود دارد که نشان از کوتاهی نتانیاهو با مقامات نزدیک به نتانیاهو در شب ششم اکتبر دارد و دروافع آنها می‌توانستند اقدداتی انجام دهند. یکی از موارد این است که گفته می‌شود در شب ششم اکتبر در ساعت ۱۱ونیم‌شب، ۲۰۰ اسم کارت اسرائیلی در نوار غزه به‌یکباره فعال شده و فعال شدن این سیم‌کارت‌ها را باید به‌عنوان نشانه‌ای از عملیات و آماده‌سازی برای اقدام بسوزگ جدی می‌گوفتند. درباره این مسئله که در اسرائیل این اطلاعات چه صحبت شده و به نخست‌وزیر هم اطلاع داده شده، باعث نشده که نخست‌وزیر دستور بسیج نیروها و اعلام آمادباش ارتش را دست‌کم در حد چند واحد ارتش بخواهد انجام دهد و این را تقریباً نادیده گرفته است. مورد دیگری هم هست، از جمله توصیه‌های امنیتی در جلسات امنیتی و تهدیدهایی که نتانیاهو آن را نادیده گرفته است. به نظر می‌رسد افشاگری‌های زیادی برای بررسی وجود دارد.

برش

معمار «هرم بزرگ مصر» کیست؟

معمار «هرم بزرگ جیزه» در مصر فردی بود که بر لباس نوشته‌های درون مقبره‌اش، سرپرست پروژه‌های ساخت و ساز پادشاه بوده است. او از مقامات عالی‌رتبه دوران فرعون خوفو و پسر عموی او بود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرادید، اهرام بزرگ جیزه در مصر، بزرگ‌ترین هرم در جهان است این هرم به روشنی یکی از شگفت‌انگیزترین سازه‌هایی است که بشر تاکنون ساخته است. اما پرسش مهمی که وجود دارد این است که چه کسی مسئول ساخت این هرم بوده است؟

اگرچه فرعون خوفو پادشاهی بود که در دوران سلطنت او هرم ساخته شد، هیچ دلیلی وجود ندارد که فرض کنیم او طراحی آن را انجام داده باشد. پس چه کسی معمار این هرم بوده است؟

کشف همینو، معمار هرم بزرگ

اطراف هرم بزرگ جیزه چندین قبرستان بزرگ وجود دارد. برخی از این قبرستان‌ها شامل مقبره‌های اعضای خانواده بزرگ خوفو می‌شوند و برخی دیگر مقبره‌های مقامات مهم درباره‌هستند.

در یکی از قبرستان‌های غرب هرم بزرگ جیزه، یک مقبره بزرگ وجود دارد. این مقبره یک ساختمان مستطیلی بزرگ با سقف مسطح و دیوارهایی است که به سمت داخل شیب دارند. این مقبره بسیار بزرگ‌تر از سایر مقبره‌های این قبرستان است.

باستان‌شناسان کشف کردند این مقبره متعلق به فردی است که نقشی مهم در ساخت هرم بزرگ جیزه داشته است. نام این مقام درباری «همینو» بود. باستان‌شناسان مجسمه‌های بسیار دقیق و واقع‌گرایانه از او را در این مقبره یافتند.

همینو کیست؟

مجسمه همینو، مردی با سینه‌های برجسته که نماد قدرت، یاوری و جنبه‌های معنوی اوست. این ویژگی در هنر مصر باستان به‌عنوان نشانه‌ای از مقام اجتماعی و ارتباط با قدرت‌های الهی یا سلطنتی استفاده می‌شد.

کشف مقبره همینو اطلاعات مهمی را فاش کرد. مقبره او نشان می‌دهد او وزیر فرعون بوده و دومین فرد قدرتمند مصر پس از فرعون به حساب می‌آمده است.

فازون بر این، نوشته‌های این مقبره از او به عنوان «آرنده مُهر پادشاه» یاد می‌کند. به این معنا که او مهر سلطنتی پادشاه را داشته و قادر بوده تأیید رسمی بدهد. این نکته حاکی از قدرت فراوان او در کشور است.

در نوشته‌ها عنوان‌های مختلفی نیز به او داده شده که در آن‌ها او را «کاهن خدایان مختلف» می‌نامند. با این حال، برخی دانشمندان بر دارند این عنوان‌ها ممکن است تنها جنبه افتخاری داشته‌اند و به وظایف واقعی او اشاره نداشته‌باشند.

مورخان با مقایسه این نوشته‌ها و نوشته‌های دیگر مکان‌ها، نتیجه‌گیری کردهاند که همینو پسر شاهزاده‌ای به نام «نفرمات» بوده است. این شاهزاده نیز فرزند پادشاه «سنفرو» بود. به بیان دیگر، همینو نوه فرعون سنفرو و پسرعموی فرعون خوفو بود. پادشاهی که در دوران سلطنت او همینو وزیر بود.

همینو به عنوان معمار هرم بزرگ

با در نظر گرفتن این اطلاعات، اساس این نتیجه‌گیری که همینو معمار هرم بزرگ جیزه بوده از کجا آمده؟ این نتیجه‌گیری برگرفته از یکی از عناوینی است که در مقبره او دیده می‌شود. محققان معمولاً این عنوان را به این شکل ترجمه می‌کنند: «ناظر تمامی پروژه‌های ساخت و ساز پادشاه».

ما می‌دانیم خوفو پادشاهی بود که مردمش را برای ساخت هرم بزرگ جیزه به کار می‌گرفت. بنابراین، منطقی است همینو که ناظر تمامی پروژه‌های ساخت و ساز پادشاه بوده، باید ساخت این هرم را هم نظارت کرده باشد.

در واقع، این نتیجه‌گیری لزوماً به این معنا نیست که او معمار به معنای امروزی آن بوده است. آیا او پشت میزی نشسته و طرح هرم را روی نقشه کشیده است؟ یا نقش او بیشتر شبیه نقش یک مدیر بوده که بر کار نیمی از معماران نظارت می‌کرده؟

ساده بگویم، ما با اطمینان نمی‌دانیم نقش او دربرگیرنده چه وظایفی بوده است. با این حال، روشن است که او به طور کلی مسئول ساخت هرم بوده است. بنابراین، منطقی است که او در برنامه‌ریزی طراحی آن نیز مشارکت داشته‌باشد.

مکث

این اختراعات ترسناک مخترعان خود را کشتند!

همیشه قرار نیست تحقیقات علمی، نتایج موفقی داشته باشد. اینجا با اختراعات ترسناک ولی بزرگی آشنا می‌شوید که باعث قتل مخترعان خود شدند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از گجت نیوز، تاریخچه نوآوری و اختراع، پر از داستان‌های هیجان‌انگیز و الهام‌بخش است. داستان‌هایی از تلاش انسان برای تسلط بر طبیعت و بهبود کیفیت زندگی.

اما در این میان، داستان‌هایی تلخ نیز وجود دارند که نشان می‌دهند حتی درخشان‌ترین ایده‌ها نیز می‌توانند به نتایج فاجعه‌باری منجر شوند. داستان‌هایی از مخترعانی که در راه تحقق رویاهای خود، جان خود را از دست دادند. در حالی که به برخی از این داستان‌های تلخ می‌پردازیم و نگاهی به اختراعاتی می‌اندازیم که به جای بهبود زندگی، به مرگ مخترعان خود منجر شدند.

اختراعات مرگبار

آیا تا به حال فکر کرده‌اید که برخی از بزرگ‌ترین نوآوری‌ها، هزینه‌هایی گزاف داشته‌اند؟ هزینه‌هایی به اندازه جان مخترعانشان. در ادامه به برخی از این اختراعات مرگبار می‌پردازیم که نشان می‌دهند مرز بین نبوغ و تراژدی چقدر باریک است.

پشکه جهنمی کارل سوجک

کارل سوجک، بدلکاری که با زنده ماندن از سقوط در بشکه‌ای درون آبشار نیاگارا به شهرت رسید، تصور می‌کرد این بشکه می‌تواند او را از هر سقوطی نجات دهد. اما آزمایش نهایی او با این بشکه، به طرز تراژیکی به پایان رسید. در این آزمایش، بشکه به جای افتادن در آب، به لبه مخزن برخورد کرد و سوجک را به شدت مجروح کرد. او مدتی بعد در بیمارستان جان باخت.

خودروی پرنده ناموفق هنری اسمولینسکی

هنری اسمولینسکی، با ترکیب یک هواپیما و یک ماشین، رویای پرواز با خودروی شخصی را دنبال می‌کرد. اما این رویا به کابوسی مرگبار تبدیل شد. در اولین پرواز آزمایشی، این خودروی عجیب و غریب، از کنترل خارج شد و سقوط کرد. اسمولینسکی و همکارش در این حادثه جان خود را از دست دادند.

سمی‌ترین اختراعات توماس میدگلی جونیور

توماس میدگلی جونیور، شیمیدانی که به اختراع کلروفلوئوروکربن‌ها (CFCs) و بنزین سرب‌دار مشهور است، با اختراعات خود به محیط زیست آسیب جدی رساند. اما این آسیب‌ها تنها به محیط زیست محدود نشد. خود میدگلی نیز در اثر عزلت نشانی از این مواد شیمیایی، به ویژه سرب، به بیماری‌های سختی مبتلا شد و در نهایت در اثر یک حادثه عجیب مرتبط با دستگاهی که برای کمک به او طراحی کرده بود، جان باخت.

رنگ‌های درخشان رادیواکتیو سلین آرنولد فون سووجکی

سلین آرنولد فون سووجکی، با کشف رنگ‌های درخشان حاوی رادیوم، دنیای ساعت‌ها و اشیاء شب‌تاب را متحول کرد. اما او و کارگران کارخانه‌اش خیلی زود متوجه شدند که این رنگ‌های زیبا، قیمتی گزاف دارند. قرار گرفتن در معرض تشعشعات رادیوم، به بیماری‌های خطرناکی مانند سرطان خون منجر شد و فون سووجکی نیز در نهایت قربانی این کشف خطرناک شد.

چند نجات ناکام فرانتز ریشلت

فرانتز ریشلت، خیاطی که به‌دنبال اختراع چتر نجاتی برای خلبانان بود، با اطمینان کامل از موفقیت اختراعش از برج ایفل پرید. اما چتر نجات او به باز شدن، او را به سمت زمین کشاند. ریشلت با این آزمایش مرگبار که به «پرش مرگ» شهرت گرفت، به یکی از قربانیان بلندپروازی‌های بشر تبدیل شد.

فانوس دریایی مرگبار هنری وینستلی

هنری وینستلی، مهندسی که اولین فانوس دریایی فراساحلی جهان را ساخت، به ساختار محکم و مقاوم فانوس دریایی بسیار اطمینان داشت. اما طوفانی سهمگین، این اطمینان را به باد داد. فانوس دریایی ویران شد و وینستلی به همراه همراهانش در دل دریا ناپدید شدند.

داستان این اختراعات ترسناک نشان می‌دهند که حتی درخشان‌ترین ایده‌ها نیز می‌توانند به نتایج فاجعه‌باری منجر شوند؛ بنابراین، پیش از هر اقدامی، باید به عواقب احتمالی آن فکر کرد و ایمنی را در اولویت قرار داد.

تبیان آنلاین
TelganOnline

مصرف زیاد هر مکمل چه عوارضی دارد؟

ویتامین‌ها و املاح که به آنها ریزمغذی‌ها نیز گفته می‌شود، در مقادیر کم برای حفظ عملکرد طبیعی بدن ضروری هستند؛ اما مصرف زیاد برخی از آنها می‌تواند باعث ایجاد اثرات سمی شود

- ویتامین A: سردرد، تاری دید، تهوع، سرگیجه، دردهای عضلانی، خواب‌آلودگی، تحریک‌پذیری، مشکلات هماهنگی، نقص جنینی در نوزادی و در موارد شدید، کما و مرگ
- ویتامین D: هیپرکلسیمی، تهوع، استفراغ، ضعف، گیجی، درد، بی‌اشتهایی، کم‌آبی بدن، اذیرار زیاد، تشنگی و سنگ کلیه
- ویتامین E: سکته هموراژیک و افزایش خطر خونریزی مخصوصاً در مصرف‌کنندگان داروهای رقیق‌کننده خون
- ویتامین B3: خارش و قرمزی پوست، فشارخون بالا، درد معده، اختلال در بینایی و آسیب کبدی
- ویتامین B6: آسیب عصبی، بی‌حسی و گزگز در دست و پاها، افزایش حساسیت به نور، تهوع و سو